

درس



مِنْ صَوْبِهَا شَمْسِي خِرَاسَانِي



درسی از آن جناب درباره‌ی اینکه زمین از مردی عالم به همه‌ی
دین که خداوند او را در آن خلیفه، امام و راهنمایی به امر خود
قرار داده باشد، خالی نمی‌ماند.

باب (۲)

احادیث صحیحی از پیامبر که بر این دلالت دارند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



حدیث ۷

رَوَى عَلِيُّ بْنُ الْحُجَيْدِ [ت ۲۳۰هـ] فِي «مُسْنَدِهِ»^۱، قَالَ: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي -يَعْنِي قُرَّةَ بْنَ إِيَّاسِ الْمُرَزِيِّ- يُحَدِّثُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا يَزَالُ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي مَنْصُورِينَ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَدَلَهُمْ، حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.

ترجمه:

علی بن جعد [د. ۲۳۰ق] در «مسند» خود روایت کرده، (به این صورت که) گفته است: شعبه ما را حدیث کرد، از معاویه بن قُرّة که گفت: شنیدم پدرم -یعنی قُرّة بن ایاس مزنی- از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث می‌کند که فرمود:

همواره گروهی از امت منصور خواهند بود، کسی که آنان را یاری نکند به آنان زیانی نخواهد رساند، تا آن گاه که قیامت بر پا شود.

حدیث [۷-۱]

رَوَى أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ [ت ۲۴۱هـ] فِي «مُسْنَدِهِ»^۲، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ شُعْبَةَ، حَدَّثَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ قُرَّةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا فَسَدَ أَهْلُ الشَّامِ فَلَا خَيْرَ فِيكُمْ، وَلَكِنْ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي مَنْصُورِينَ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَدَلَهُمْ، حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.

ترجمه:

همچنین، احمد بن حنبل [د. ۲۴۱ق] در «مسند» خود روایت کرده، گفته است: یحیی بن سعید ما را حدیث کرد، از شعبه (که گفت:) معاویه بن قُرّة من را حدیث کرد، از پدرش، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز محمد بن جعفر (ما را حدیث کرد، گفت:) شعبه ما را حدیث کرد، از معاویه بن قُرّة، از پدرش، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: هرگاه اهل شام فاسد شوند، خیری در شما نیست و همواره شماری از امت منصور خواهند بود، کسی که آنان را یاری نکند به آنان زیانی نخواهد رساند، تا آن گاه که قیامت بر پا شود.

۱. مسند ابن الجعد، ص ۱۶۶

۲. مسند أحمد، ج ۳۳، ص ۴۷۲



[ملاحظه]

قَالَ الْمَنْصُورُ حَفِظَهُ اللَّهُ تَعَالَى: قَوْلُهُ: «إِذَا فَسَدَ أَهْلُ الشَّامِ فَلَا خَيْرَ فِيكُمْ» زِيَادَةٌ لَمْ يَذْكُرْهَا ابْنُ الْجَعْدِ، وَكَذَلِكَ سَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ وَابْنُ مَاجَةَ^۱، وَهِيَ زِيَادَةٌ غَيْرُ صَحِيحَةٍ؛ فَقَدْ فَسَدَ أَهْلُ الشَّامِ فِي زَمَنِ مُعَاوِيَةَ، وَكَانَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي الْمَدِينَةِ وَالْكُوفَةِ لَوْجُودِ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ فِيهِمَا، بَلْ هِيَ مُنَاقِضَةٌ لِلْحَدِيثِ؛ لِأَنَّ بَقَاءَ الطَّائِفَةِ الْمَنْصُورَةِ فِي الْأُمَّةِ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ هُوَ بَقَاءُ الْخَيْرِ فِيهِمْ وَلَوْ فَسَدَ أَهْلُ الْأَرْضِ جَمِيعًا، وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَنْ زَادَهَا فِي الْحَدِيثِ، فَقَدْ قَالَ الْبَزَّازُ: «هَذَا الْحَدِيثُ بِهَذَا اللَّفْظِ لَا نَعْلَمُ رَوَاهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا قُرَّةُ بْنُ إِيَّاسٍ»^۲، وَهُوَ رَجُلٌ عَدَّهُ الْجُمْهُورُ مِنَ الصَّحَابَةِ، لِقَوْلِهِ «أَنَّهُ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَمَسَحَ رَأْسَهُ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُ»^۳، وَقَوْلِهِ: «أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي رَهْطٍ مِنْ مَرْيَتَةَ فَبَايَعَنَاهُ، ثُمَّ أَدَخَلْتُ يَدِي فِي جَيْبِ قَمِيصِهِ، فَمَسَسْتُ الْحَاتِمَ»^۴، وَلَكِنْ قَالَ شُعْبَةُ: «قُلْتُ لِمُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ: أَكَانَ أَبُوكَ صَحَبَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنَّهُ كَانَ عَلَى عَهْدِهِ قَدْ حَلَبَ وَصَرَ»^۵، أَرَادَ أَنَّهُ كَانَ غُلَامًا صَغِيرًا يَخْدُمُ أَهْلَهُ، فَالْعَلَّةُ غَلَطَ فِي الْحَدِيثِ لِصِغَرِ سِنِّهِ، وَقَالَ مُعَاوِيَةُ بْنُ قُرَّةَ: «كَانَ أَبِي يُحَدِّثُنَا يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَلَا أُدْرِي أَكَانَ سَمِعَهُ مِنْهُ أَوْ حُدِّثَ عَنْهُ»، وَهَذَا يُضَعِّفُ حَدِيثَهُ، وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جَعَلَ ابْنُ أَبِي حَاتِمٍ حَدِيثَهُ فِي الْمَرَّاسِيلِ^۶، وَأَمَّا أَنَا فَأُخْرِجُ مِنْ حَدِيثِهِ مَا لَمْ يَتَّفَرِّدْ بِهِ، مُرَاعَاةً لِلرِّوَايَتَيْنِ.

ترجمه:

منصور حفظه الله تعالى فرمود: این سخن که «هرگاه اهل شام فاسد شوند، خیری در شما نیست»، زیادتی است که ابن جعد آن را ذکر نکرده و همین طور سعید بن منصور و ابن ماجه و ابن زیادتی نادرست است؛ چراکه اهل شام در زمان معاویه فاسد شدند، در حالی که همه‌ی خیر در مدینه و کوفه بود به خاطر وجود علی و پیروانش در آن دو، بل آن در تناقض با حدیث است؛

۱. سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۱۷۸

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴

۳. مسند البزار، ج ۸، ص ۲۴۴

۴. مسند ابن الجعد، ص ۱۶۸؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۷، ص ۳۲؛ مسند أحمد، ج ۲۶، ص ۱۸۲

۵. مسند ابن الجعد، ص ۳۹۲؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۴۲۶؛ مسند أحمد، ج ۲۴، ص ۳۴۷؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۵۵؛ مسند الروياني، ج ۲، ص ۱۲۶؛ معجم الصحابة للبغوي، ج ۵، ص ۸۷؛ معجم الصحابة لابن قانع، ج ۲، ص ۳۵۸؛ صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۲۶۷؛ الفوائد الشهير بالغيلانيات لأبي بكر الشافعي، ج ۱، ص ۴۱۰؛ أخلاق النبي لأبي الشيخ الأصبهاني، ج ۲، ص ۹۷؛ معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۴، ص ۲۳۵۱

۶. مسند ابن الجعد، ص ۱۶۸؛ تاریخ ابن معین، ج ۳، ص ۵۸؛ مسند أحمد، ج ۲۶، ص ۱۸۲؛ مسند الروياني، ج ۲، ص ۱۲۹؛

معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۴، ص ۲۳۵۰؛ الكفاية في علم الرواية للخطيب البغدادي، ص ۵۸

۷. المراسيل لابن أبي حاتم، ص ۱۶۷



چراکه بقاء طائفه‌ی منصوره در امت تا روز قیامت، به معنای بقاء خیر در آنان است، اگرچه همه‌ی اهل زمین فاسد شوند و خداوند می‌داند که چه کسی آن را به حدیث افزوده؛ چراکه بزار گفته است: «کسی را نمی‌شناسیم که این حدیث را با این لفظ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده باشد مگر قرة بن ایاس» و او مردی است که اکثر (اهل علم) او را از صحابه دانسته‌اند؛ به خاطر این سخنش که گفته «به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده، پس آن حضرت به سرش دست کشیده و برایش استغفار کرده» و این سخنش که گفته است: «به همراه جمعی از (طائفه‌ی) مزیّنه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدم، پس با او بیعت کردیم و سپس دستم را در گریبان او داخل کردم و مهر (نبوت) را لمس نمودم»، ولی شعبة گفته است: «به معاویه بن قرة گفتیم: آیا پدرت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مصاحبت کرد؟ گفت: نه، ولی در زمان او شیر می‌دوشید و نگاه می‌داشت»، یعنی پسر کوچکی بود که به اهل خانه‌اش خدمت می‌کرد، پس شاید به خاطر کمی سنش در حدیث اشتباه کرده باشد. به علاوه، معاویه بن قرة گفته است: «پدرم ما را حدیث می‌کرد، می‌گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود، ولی نمی‌دانم که آیا خودش از او شنیده بود یا برایش حدیث کرده بودند» و این حدیث او را ضعیف می‌کند و از این رو، ابن ابی حاتم حدیث او را در مراسیل (یعنی احادیث مرسل) یاد کرده است، ولی من از حدیث او چیزی که در نقل آن تنها نیست را (به عنوان حدیثی متصل و صحیح) ذکر می‌کنم، تا هر دو روایت مراعات شود.

حدیث [۷-۲]

وَرَوَى ابْنُ عَسَاكِرَ [ت ۵۷۱هـ] فِي «تَارِيخِ دِمَشَقٍ»^۱، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَلَّالُ الْأَدِيبُ، أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ الْمُفَرِّئِ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الطَّائِيُّ، أَنْبَأَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ مَزِيدٍ، أَخْبَرَنِي أَبِي، أَخْبَرَنَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ أَرْطَاءَةَ بِنِ الْمُنْذِرِ، حَدَّثَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ قُرُوءَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا هَلَكَ أَهْلُ الشَّامِ فَلَا خَيْرَ فِي أُمَّتِي، وَلَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ، لَا يُبَالُونَ خِلَافَ مَنْ خَالَفَهُمْ أَوْ خَدَلَانَ مَنْ خَدَلَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ.

ترجمه:

و ابن عساکر [د. ۵۷۱ق] در «تاریخ دمشق» روایت کرده، گفته است: ابو عبد الله حسین بن عبد الملك خلّال ادیب ما را خبر داد، (گفت:) احمد بن محمود بن احمد بن محمود ما را خبر داد،

۱. تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۱، ص ۲۶۷

(گفت:) ابو بکر بن مقری ما را خبر داد، (گفت:) محمد بن عبد الله طائی ما را خبر داد، (گفت:) عباس بن ولید بن مزید ما را خبر داد، (گفت:) پدرم من را خبر داد، (گفت:) سعید بن عبد الجبار ما را خبر داد، از اُرتأة بن منذر که (گفت:) معاویة بن فروة من را حدیث کرد، از عبد الله بن عمر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (که فرمود:) هرگاه اهل شام هلاک شوند، خیری در امتم نیست و همواره شماری از امتم پیروزمندان بر حق می‌جنگند و به مخالفت کسی که با آنان مخالفت کند یا حمایت نکردن کسی که از آنان حمایت نکند اهمیتی نمی‌دهند، تا آن گاه که امر خداوند بیاید در حالی که آنان بر همین حال هستند.

﴿ملاحظه﴾

قَالَ الْمَنْصُورُ حَفِظَهُ اللَّهُ تَعَالَى: هَكَذَا رَوَاهُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرُوءَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، وَلَا رَيْبَ فِي أَنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ قُرُوءَةَ تَصْحِيفٌ لِمُعَاوِيَةَ بْنِ قُرُوءَةَ، وَلَوْ لَا أَنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ قُرُوءَةَ قَدْ رَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ لَجَزَمْتُ بِأَنَّهُ وَهُمْ وَأَنَّ الصَّوَابَ قُرُوءَةَ بْنِ إِبَاسٍ، وَيُقَالُ أَنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ قُرُوءَةَ لَمْ يَلْحَقْ ابْنَ عُمَرَ، وَلَكِنِّي عَثَرْتُ لَهُ عَلَى ثَمَانِي رَوَايَاتٍ عَنْهُ: [۱] مِنْهَا مَا أَسْنَدَ أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ [ت ۲۰۴هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ مَرَّةً مَرَّةً، وَقَالَ: هَذَا وَظِيفَةُ الْوُضُوءِ الَّذِي لَا تَحِلُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهِ»^۲، [۲] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ [ت ۲۴۱هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَمُوتُ نَبِيٌّ حَتَّى يَوْمَهُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِهِ»^۳، [۳] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ الدُّوَلَابِيُّ [ت ۳۱۰هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «أُرْسِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُعَاذًا وَأَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ إِلَى اليمَنِ، فَقَالَ: تَطَاوَعَا وَيَسْرًا وَلَا تُتَفَرَّأ»^۴، [۴] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ الطَّبْرَانِيُّ [ت ۳۶۰هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا عَلَى عَمَلٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، خِرْ لِي، قَالَ: الرِّمُّ بَيْنَكَ»^۵، [۵] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ أَبُو نُعَيْمٍ [ت ۴۳۰هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَتَى عَلَى الْجَارِيَةِ تِسْعُ سِنِينَ فَهِيَ امْرَأَةٌ»^۶، [۶] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ ابْنُ خَيْرٍ الْإِسْبِيلِيُّ [ت ۵۷۵هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْعِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمٌ بِاللِّسَانِ، هُوَ الْحُجَّةُ عَلَيْكَ، وَعِلْمٌ بِالْقَلْبِ، هُوَ النَّافِعُ لَكَ»^۷، [۷] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ ابْنُ حَزْمٍ [ت ۴۵۶هـ] عَنْهُ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ فَجَرَ بِامْرَأَةٍ،

۱. انظر: علل الحديث لابن أبي حاتم، ج ۱، ص ۵۵۱.

۲. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۳، ص ۴۳۳.

۳. فضائل الصحابة لأحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴. الكنى والأسماء للدولابي، ج ۲، ص ۴۷۳.

۵. المعجم الكبير للطبراني، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۶. أخبار أصبهان لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۲، ص ۲۴۳.

۷. فهرسة ابن خبير الإشبيلي، ص ۹.

أَيَّتَرَوْجَهَا؟ قَالَ: إِنَّ تَابًا وَأَصْلَحًا»^۱، [۸] وَمِنْهَا مَا أَسْنَدَ بَكْرُ بْنُ الْعَلَاءِ [ت ۳۴۴هـ] عَنْهُ، قَالَ: (قِيلَ لِابْنِ عُمَرَ: إِنَّ ابْنَ الزُّبَيْرِ إِذَا صَلَّى لَمْ يَقُلْ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا، قَالَ: لَكِنَّا نَقُولُ هَكَذَا وَهَكَذَا وَنَكُونُ مِثْلَ النَّاسِ)^۲، وَمِنْ الْبَعِيدِ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ الرَّوَايَاتُ كُلُّهَا مُرْسَلَةً، فَإِنَّ الرَّجُلَ لَمْ يَكُنْ مَعْرُوفًا بِالثَّدْلِيِّسِ، وَقَدْ وَرَدَ فِي بَعْضِهَا أَنَّهُ صَرَّحَ بِالسَّمَاعِ؛ كَمَا وَرَدَ فِي رِوَايَةِ أَبِي نُعَيْمٍ عَنْهُ قَالَ: (سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ، وَأَسْنَدَ الْبَيْهَقِيُّ [ت ۴۵۸هـ] فِي «السُّنَنِ الصُّغْرَى» عَنْهُ قَالَ: «حَدَّثَنِي ابْنُ عُمَرَ، وَأَنْسُ بْنُ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ مَرَّةً مَرَّةً»^۳، وَفِي رِوَايَةِ الطَّبْرَانِيِّ: «حَدَّثَنَا الْفُرَاتُ بْنُ أَبِي الْفُرَاتِ، قَالَ: سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ بْنَ قُرَّةَ يُحَدِّثُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ، فَلَا أَذْرِي مَاذَا يُنْكِرُونَ مِنْ ذَلِكَ، وَهُمْ يَرَوُونَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: «أَدْرَكْتُ ثَلَاثِينَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۴، وَفِي رِوَايَةِ أُخْرَى: «أَدْرَكْتُ سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۵، وَمَا أُخْرَى أَنْ يَكُونَ ابْنُ عُمَرَ مِنْهُمْ، فَقَدْ عَاشَ مَعَهُ خَمْسَةَ وَثَلَاثِينَ عَامًا أَوْ أَكْثَرَ، بَلْ رُوِيَ عَنِ ابْنِهِ إِيَّاسَ أَنَّهُ سَمِعَهُ؛ كَمَا فِي رِوَايَةِ حَسَّانَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ إِيَّاسِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ أَنَّهُ قَالَ: «سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ يَقُولُ: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، فَقَالَ: جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ مَعَ قِلَّةِ الشَّيْءِ»^۶، إِلَّا أَنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ مَشْبُوهَةٌ عِنْدِي؛ فَقَدْ رَوَاهَا ابْنُ أَبِي الدُّنْيَا [ت ۲۸۱هـ] فِي «التَّفَقُّةِ عَلَى الْعِيَالِ» بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَسَّانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِيَّاسِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، عَنْ عُمَرَ مَوْثُوقًا^۷، وَرَوَاهَا السُّهْرَوَرْدِيُّ [ت ۶۳۲هـ] فِي «مَشِيخَتِهِ» بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَسَّانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِيَّاسِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، قَالَ: «سَمِعْتُ عُمَرَ يَقُولُ: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَكَثْرَةِ الْعِيَالِ، وَقِلَّةِ الشَّيْءِ»^۸، فَإِنْ صَحَّتْ رِوَايَتُهُمَا فَالْوَجْهُ عِنْدِي أَنَّهُ أَرَادَ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ؛ فَإِنَّهُ كَانَ مِنْ أَصْحَابِهِ، وَلَمْ يُرِدْ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، وَعَلَى هَذَا تَكُونُ رِوَايَتُهُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ مُصَحَّفَةً، وَلَكِنْ هُنَاكَ شُبْهَةٌ أُخْرَى، وَهِيَ أَنَّ ابْنَ حَجْرٍ [ت ۸۵۲هـ] ذَكَرَ فِي «الْغَرَائِبِ الْمُلْتَقَطَةِ مِنْ مُسْنَدِ الْفِرْدَوْسِ»، عَنْ حَسَّانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِيَّاسِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: «سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، فَقَالَ: جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ مَعَ قِلَّةِ الشَّيْءِ»^۹، وَهَذِهِ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ إِيَّاسًا لَمْ يَسْمَعْ ابْنَ عُمَرَ،

۱. المحلى بالآثار لابن حزم، ج ۹، ص ۶۴

۲. أحكام القرآن لبكر بن العلاء، ج ۲، ص ۱۶۲

۳. السنن الصغير للبيهقي، ج ۱، ص ۵۱

۴. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۲، ص ۲۹۹؛ تاريخ دمشق لابن عساکر، ج ۵۹، ص ۲۶۹

۵. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۲، ص ۲۹۹؛ تاريخ دمشق لابن عساکر، ج ۵۹، ص ۲۶۹؛ المنتظم في تاريخ الملوك والأمم لابن الجوزي، ج ۶، ص ۲۲۲

۶. جزء فيه ما انتقى ابن مردويه على الطبراني، ص ۳۶۲

۷. النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۴۴۳

۸. مشيخة السهروردي، ص ۱۰۹

۹. الغرائب الملتقطة من مسند الفردوس لابن حجر، ج ۴، ص ۸۶



وَإِنَّمَا رَوَى عَنْهُ بِوَاسِطَةِ أَبِيهِ، وَقَدْ سَقَطَ اسْمُ أَبِيهِ مِنْ سَنَدِ الرَّوَايَةِ، وَلَكِنْ يَمْنَعُ الْجُزْمَ بِذَلِكَ مَا حُكِيَ عَنِ الظَّهْرِيِّ [ت ۳۱۰هـ] أَنَّهُ قَالَ فِي «الْمُدَيْلِ»: «رَوَى إِيَّاسُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَمِعَ مِنْهُ وَهُوَ يَمْتَثِي مَعَ أَبِيهِ فِي السُّوقِ كَلِمَةً، وَهِيَ: <جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ مَعَ قَلَّةِ الشَّيْءِ>»، وَلَمْ أَجِدْهُ فِيَمَا بَقِيَ مِنَ الْمُدَيْلِ، وَكَيْفَمَا كَانَ فَالظَّاهِرُ عِنْدِي أَنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ قُرَّةَ لَحِقَ ابْنَ عُمَرَ.

ترجمه:

منصور حفظه الله تعالى فرمود: آن را به همین صورت از معاویة بن فروة از عبد الله بن عمر روایت کرده است و شکّی نیست که معاویة بن فروة تصحیف معاویة بن قرّة است و اگر نه این بود که معاویة بن قرّة از عبد الله بن عمر روایت کرده، با اطمینان می‌گفتم که آن اشتباه است و درست قرّة بن ایاس است و گفته شده که معاویة بن قرّة ابن عمر را درک نکرده است، ولی من هشت مورد یافته‌ام که از او روایت کرده است: [۱] یکی از آن‌ها چیزی است که ابو داود طیالسی [د. ۲۰۴ق] با رساندن سند به او از ابن عمر روایت کرده است که «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک بار یک بار وضو گرفت و فرمود: این حداقل وضوئی است که نماز جز با آن مباح نمی‌شود» [۲] و دیگری چیزی است که احمد بن حنبل [د. ۲۴۱ق] با رساندن سند به او از ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: «هیچ پیامبری از دنیا نمی‌رود تا آن گاه که مردی از امتش او را نماز دهد» [۳] و دیگری چیزی است که دولابی [د. ۳۱۰ق] با رساندن سند به او از ابن عمر روایت کرده است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مُعَاذ و ابو موسی اشعری را به یمن اعزام کرد و به آن دو فرمود: با هم هماهنگ باشید و آسان بگیرید و (مردم را) فراری ندهید» [۴] و دیگری چیزی است که طبرانی [د. ۳۶۰ق] با رساندن سند به او از ابن عمر روایت کرده است که «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردی را برای کاری منصوب کرد، پس آن مرد گفت: ای رسول خدا! خیرم را برایم اختیار کن، فرمود: در خانه‌ات بنشین» [۵] و دیگری چیزی است که ابو نعیم [د. ۴۳۰ق] با رساندن سند به او از ابن عمر روایت کرده است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه دختر به نه‌سالگی برسد، زن (بالغ) محسوب می‌شود» [۶] و دیگری چیزی است که ابن خیر اشبیلی [د. ۵۷۵ق] با رساندن سند به او از ابن عمر روایت کرده است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علم دو گونه است: علم بر زبان که حجتی بر توست و علم در دل که فایده‌ای برای توست» [۷] و دیگری چیزی است که ابن حزم [د. ۴۵۶ق] با رساندن سند به او از ابن عمر روایت کرده است که «از او درباره‌ی مردی پرسیدند که با زنی زنا کرده است، آیا می‌تواند با او ازدواج کند؟ گفت: اگر توبه کنند و اصلاح شوند» [۸]



و دیگری چیزی است که بکر بن علاء [د. ۳۴۴ق] با رساندن سند به او روایت کرده است که گفت: «به ابن عمر گفته شد: ابن زبیر وقتی نماز می‌گزارد، به این سو و آن سو نگاه نمی‌کند، گفت: ولی ما به این سو و آن سو نگاه می‌کنیم و مثل مردم هستیم» و بعید است که همه‌ی این روایات مرسل باشند؛ چراکه ابن مرد (یعنی معاویة بن قرّة) به تدلیس شناخته نبوده و در برخی از آن‌ها وارد شده که به شنیدن حدیث (از ابن عمر) تصریح کرده؛ چنانکه در روایت ابو نعیم از او وارد شده است که گفت: «از ابن عمر شنیدم» و بیهقی [د. ۴۵۸ق] در «السنن الصغری» از او روایت کرده است که گفت: «ابن عمر و انس بن مالک من را حدیث کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک بار یک بار وضو گرفت» و در روایت طبرانی آمده است: «فرات بن ابی فرات ما را حدیث کرد، گفت: شنیدم که معاویة بن قرّة از ابن عمر حدیث می‌کند». با این اوصاف، نمی‌دانم که چه چیزی از آن را انکار می‌کنند، در حالی که خود از او روایت می‌کنند که گفت: «من سی تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده‌ام» و در روایتی دیگر آمده است که (گفت: «من هفتاد تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده‌ام» و چه اندازه جا دارد که ابن عمر یکی از آنان بوده باشد؛ چراکه سی و پنج سال یا بیشتر در عهد او زندگی کرده، بلکه از پسرش ایاس نیز روایت شده که از او حدیث شنیده است؛ چنانکه در روایت حسان بن عبید الله از ایاس بن معاویة بن قرّة آمده است که گفت: «شنیدم ابن عمر می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنید که مردی می‌گوید: خدایا! من از بلای سخت به تو پناه می‌آورم، پس فرمود: بلای سخت، کثرت عیال با کمی درآمد است»، جز آنکه این روایت نزد من مشکوک است؛ چراکه ابن ابی الدنیا [د. ۲۸۱ق] در کتاب «النفقة علی العیال» آن را با سند خود از حسان بن عبد الله، از ایاس بن معاویة، از عمر به صورت موقوف روایت کرده و سهروردی [د. ۶۳۲ق] در «مشیخه» اش آن را با سند خود از حسان بن عبد الله، از ایاس بن معاویة روایت کرده است که گفت: «شنیدم عمر می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنید که مردی می‌گوید: خدایا! من از بلای سخت و کثرت عیال و کمی درآمد به تو پناه می‌آورم»، پس اگر روایت این دو درست باشد، وجه آن نزد من این است که مقصود ایاس (از عمر)، عمر بن عبد العزیز بوده؛ چراکه او از اصحاب وی بوده و مقصودش عمر بن خطاب نبوده است و در این صورت، روایت او از ابن عمر تصحیف شده است، ولی در این زمینه شبهه‌ی دیگری نیز وجود دارد و آن این است که ابن حجر [د. ۸۵۲ق] در کتاب «الغرائب الملتقطة من مسند الفردوس» از حسان بن عبد الله، از ایاس بن معاویة، از پدرش، از عبد الله بن عمر آورده است که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنید که مردی از بلای سخت به خداوند پناه می‌برد، پس فرمود: بلای سخت، کثرت عیال با کمی درآمد است» و این نشان می‌دهد که ایاس (حدیث را)



از ابن عمر نشنیده، بلکه به واسطه‌ی پدرش (معاویة بن قرّة) از او روایت کرده و نام پدرش از سند روایت افتاده است، ولی چیزی که از اطمینان در این باره باز می‌دارد سخنی است که از طبری [د. ۳۱۰ق] نقل شده که در کتاب «المذیل» گفته است: «ایاس هنگامی که با پدرش در بازار راه می‌رفت، این جمله را از ابن عمر شنید: بلای سخت، کثرت عیال با کمی درآمد است» و من این را در آنچه از کتاب «المذیل» باقی مانده است نیافتم. به هر حال، ظاهر نزد من این است که معاویة بن قرّة ابن عمر را درک کرده است.

